



## زن و ادبیات

اشاره:

زن و ادبیات

مترجم: منیژه عجم عراقی و دیگران

ناشر: نشر چشمه

چاپ اول، تهران، 1382

«زن و ادبیات» مجموعه مقالات از سلسله پژوهشهای نظری دربارهٔ زنان و کوششهای جدی آنان در رویکرد خلاقانان به ادبیات است. مترجمان هدف از فراهم آوردن چنین مجموعه‌ای را به دست دادن نمونه‌هایی از نوشته‌های زنانی اعلام کرده‌اند که کوشیده‌اند در عرصهٔ نقد ادبی با عرضهٔ شیوه‌های ویژه‌ای، شیوه‌های رسمی و رایج را به چالش بطلبند. شیوه‌های رسمی از نقد مارکسیستی، روان‌شناختی، زبان‌شناختی گرفته تا پسا ساختارگرایی و پسا مدرنیستی، همه و همه گویای مبانی نظری مردان بر پایهٔ احکام قطعی فرهنگ مردسالارانه شکل می‌گیرند.

و زنان اصول نظری خود را که کتاب «زن و ادبیات» از آن به نقد فمینیستی یاد می‌کند و آن را موضوع اصلی قرار می‌دهد، ضمن اینکه از تأثیر جدی دیدگاه‌های این مکاتب نقد و به ویژه در دهه‌های اخیر بر کنار نیستند، بر پایهٔ نیروی خیزش جنبش زنان به نقد تصاویر کلیشه‌ای ساخته و پرداختهٔ مردان از زنان می‌پردازند. موضوعی که منشأ تحولات بزرگی در عرصهٔ نظریه‌پردازی زنان می‌شود، که به نوعی خودباوری، استقلال، شجاعت و بی‌باکی زنان خلاق را به دنبال دارد. تا آنجا که بستر ساز آفرینشهای بسیار بزرگی در عرصهٔ داستان و شعر، در برابر جهان و حتی ایرانیان می‌شود. به گفتهٔ مترجمان، دیدگاه فمینیستی نقد ادبی، پرسشهای گوناگونی را پیش رو داشت از جمله اینکه:

می‌بایست تمایز خود را با دیگر شیوه‌ها روشن می‌کرد، و با تردید به اینکه نظریه‌های مردمحور کمتر فایده‌ای به حال زنان نخواهد داشت، کوشید بررسی نوشته‌های ادبی را بر پایهٔ الگوی تجربه‌های زنان استوار کند. (ص 11) بر همان اساس مترجمان، کتاب را از دو بخش متمایز فراهم آورده‌اند. بخشی نخست که بر وجود سنت داستان نویسی میان زنان پرداخته از زاویه‌های گوناگون به موانع موجود در سر راه رشد این سنت می‌پردازد و با گفتارها و نوشتارهایی به تحلیل و تأکید موانع می‌پردازد.

نخست از ویرجینیا ولف مقالهٔ *women and fiction* را نقل می‌کند که ابتدا در دو کالج ویژهٔ زنان در کمبریج ایراد شده بود و بعدها پس از مرگش به صورت مقاله منتشر شد. ولف در این مقاله مشکلات زنان نویسنده را بر می‌شمرد که ضعف آموزشها، وظیفهٔ خانه‌داری، نداشتن اوقات فراغت، عدم استقلال مالی از جمله آنهاست که می‌تواند از موانع بزرگ رشد خلاقیت هنری زنان شود. این موانع را بی‌شک می‌توان در تاریخ ادبیات بیشتر مردانهٔ ایران نیز دید. هر چه مردان تاریخ ما فرصتهای بزرگی را در روند جریانهای خلاق می‌یابند، زنان در سایهٔ حاکمیت فرهنگ مردسالارانه و اقتصاد متمرکز در مردان که زن را از نظر اقتصادی و اجتماعی چندان به رسمیت نمی‌شناخت، غایب می‌مانند. غیر از ولف نویسندگان دیگر نیز، هر يك با طرح دشواریها و پرسشهایی خواننده را به اندیشه می‌خوانند. مثلاً تیلی آلسن می‌پردازد به این امر که چرا در برابر هر نویسندهٔ مرد، يك زن نویسنده نداریم؟ ایل اسپندر در «زن و تاریخ ادبیات» دشواریهای شرایط نویسندگی در قرن هجدهم و توطئه‌هایی که سبب شد، با وجود حضور قابل توجه زنان نویسنده، منتقدان و تاریخ‌نویسان، آنان را نادیده گرفته‌اند، می‌پردازد.

آلیس واکر در مقالهٔ «در جست‌وجوی باغهای مادران ما» به تبیین مسئلهٔ مادرتباری می‌پردازد. واکر در این مقالهٔ پر احساس به موقعیت زنان در حفظ آفرینشگری و خلاقیت خود و انتقال سینه به سینه آن به دختران خود به شکلهای گوناگون مثل موسیقی، قصه‌گویی، چهل‌تکه‌دوزی و گل‌کاری اشاره می‌کند. همولت که از مادران و مادر بزرگها به نام «قدیسان ماهزدهٔ رقت‌انگیز» یاد می‌کند (ص 88) و در شعری از اکوت پی بیتک چنین آنان را خطاب قرار می‌دهد:

ای زنان هم قبیلهٔ من

بباید با هم شیون سر دهیم

بباید تا بر مرگ مادر خود سوگواری کنیم

مرگ يك شهبانو

خاکستری که از آتشی سترگ برآمد ...

(اکوت پی بیتک، شاعر اوگاندایی 1931-1982)

الن شوولتر در نوشتاری به نام «نقدی از آن خود» زبان طرح مشکلات و پیچیدگی نقدنویسی فمینیستی، نقدنویسی سیاهان و جهان سومها می‌شود.

نوشتار زیگرید وایگل، واپسین نوشتار بخش نخست کتاب «زن و ادبیات» است، که تحت عنوان «قهرمان قربانی شده و قربانی قهرمان» آمده است. در این مقاله نویسنده، ضمن معنا کردن اصطلاح قهرمان و معنای دوگانه آن یکی شخصیت اصلی یک اثر دراماتیک یا حماسی و یا شخصی که عملی دلاورانه و پهلوانانه انجام می‌دهد، (ص 142) نشان می‌دهد که زنان نویسنده در جهان برای خلق آثار خود چه قربانی‌هایی می‌دهند و یا چه بهایی را برای انعکاس واقعیت‌های اجتماعی می‌پردازند. بر همین اساس سرنوشت زنان نویسنده را چنین تصویر می‌کند:

«تیمارستان، بیمارستان و زندان. این است معادله سه مجهولی فرمول جهانی زنان.» (ص 159)

در بخش دوم کتاب، خواننده با نمونه‌هایی از نقد و ارزیابی انتقادی آثار نویسندگان بزرگ جهان آشنا می‌شود. نخستین این ارزیابی‌ها به زمان معروف دافنه موریه به نام «ربه‌کا» که به فارسی نیز ترجمه شد و در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی بر پایه داستان آن فیلمی نیز به نام «کنیز» تهیه شده بود، همچنین که آلفرد هیچکاک در 1940 فیلمی بر اساس آن ساخته بود، می‌پردازد. نویسنده این مقاله، الیسون لایت، ربه‌کا را رمانی جنایی - عشقی می‌داند که داستان دلهره‌آور آن پشت صحنه یک درام رمانتیک روی می‌دهد. (ص 170) «بلندی‌های بادگیر»، اثر امیلی برونته در مقاله‌ای به نام رمانتیسیم و خردورزی از جولیت میچل مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است. نقد و بررسی آثار سیمون دوبوار در نوشتاری به نام «سیمون دوبوار در آینه رمان‌هایش» مورد ارزیابی انتقادی قرار گرفته است. در این مقاله روابط میان شخصیت‌های زن و مرد با توجه به افکار فمینیستی دوبوار در شکل‌گیری شخصیت‌های داستانی‌اش می‌پردازد.

«مدرنیته و نگارش زنانه» آخرین نوشتار کتاب است، که در آن دوریس کولش و گوترو لنت به تعریف و تبیین مفهوم «نگارش زنانه» پرداخته‌اند و او را به عنوان یک نویسنده مدرنیست، بحث‌انگیز و آخرین وارث «جنیش ادبی آوانگارد» معرفی می‌کنند. از نظر آنان «او زبان را کارگردانی می‌کند و به نمایش درمی‌آورد، نوشتن برایش ضرورت است.» و از قول او می‌نویسد: «اگر بنویسم، نخواهم مژد» (ص 270)

بخش سوم کتاب به فرهنگ اصطلاحات و نام‌ها اختصاص دارد که یک فرهنگ دام دست‌های نام‌های بزرگ در عرصه ادبیات و کلید واژه‌های داستانی و دانش نقد و نظریات ادبی معاصر است که نظایر آن در مراکز کتابخانه‌ای ما بسیار اندک است. واژه‌نامه‌های فارسی به آلمانی و انگلیسی و انگلیسی به آلمانی و فارسی و نیز منبع‌شناسی «زن و ادبیات» می‌تواند به عنوان راهی تازه خوانندگان را به متن ادبیات زنانه جهان هدایت کند. زبان روان و سهل مترجمان در برگردان این نوشتارها و اصولاً گزینش درست و دقیق آنها، ارتباط با مخاطبان ادبیات زنان جهان را به صورتی کاملاً آسان فراهم می‌کند. تا آنجا که کمتر خواننده‌ای در هنگام مطالعه این اثر به این احساس و درک می‌رسد که وی مشغول مطالعه پیچیده‌ترین و جدی‌ترین مباحث و مبانی و نظریات نقد ادبی درباره ادبیات زنان است و این امتیاز بزرگی برای گردآورندگان و مترجمان آن است.

